

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۳، ویژه علوم سیاسی

انقلاب‌های عربی و فرصت‌های آن برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۲۵ تاریخ تأیید: ۹۳/۱۰/۱۱

هادی ترکی*

چکیده

موضوع مقاله حاضر، «انقلاب‌های عربی و فرصت‌های آن برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» است که با روش توصیفی-تحلیلی به آن پرداخته شده است. هر یک از این جنبش‌ها برای تبدیل به انقلاب سیاسی-اجتماعی واقعی، نیازمند تغییرات بنیادی است. انقلاب‌های عربی باعث یکسری تحولات بنیادی در منطقه شده است. این تحولات فرصت‌هایی را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است. فرصت‌هایی مانند: سقوط دولت‌های استبدادی، ظهور دولت‌های جدید و بهبود روابط با ایران، دولت‌سازی و ایجاد توازن جدید قدرت در منطقه. ایران می‌تواند از این فرصت‌های به دست آمده برای کمک به این کشورها و شکل دادن به نظم نوین منطقه‌ای استفاده کند. ایران می‌تواند در بحث دولت‌سازی با احزاب و گروه‌های همسو، تعامل سازنده ایجاد و برقرار کند و تجربیات خود را در اختیار این کشورها قرار دهد و در آخر امر اینکه از فرصت به دست آمده در منطقه استفاده نماید و پی‌گیر اهداف سیاست خارجی در منطقه باشد.

واژه‌های کلیدی: فرصت‌ها، دولت‌سازی، سقوط و بهبود روابط

* کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)

مقدمه

کشورها برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود منتظر موقعیت‌هایی در جهان هستند و این موقعیت‌ها همیشگی و مداوم نیست. یکی از این موقعیت‌ها می‌تواند انقلاب‌هایی باشد که در دیگر کشورها اتفاق می‌افتد. سرعت پیدایش و گسترش انقلاب‌ها غافل‌گیر کننده است و از عمق و ریشه مستحکم آن حکایت دارد. در دهه دوم قرن بیست یکم انقلاب‌هایی در کشورهایمانند مصر، لیبی و تونس روی داد که می‌توان از این انقلاب‌ها به نوعی تعبیر انقلاب اجتماعی دینی نام برد چرا که از سویی سرکوب اجتماعی و نبود ترقی فکری در این کشورها کم بود و از سویی دیگر نقش دین در دوره مدرن و بخصوص در این کشورها مؤثر و تقریباً حرف اول را می‌زند. کشورهای عربی اکنون در مرحله نخستین انقلاب، یعنی خلع ید حاکمان طاغوتی وابسته به بیگانگان به سر می‌برند که بجز مصر، تونس و لیبی موفقیت یا ناکامی آنها چندان مشخص نیست و اطلاق انقلاب به آنها به تغییر یا تداوم ساختار نظام سیاسی - اجتماعی مستقر بستگی دارد. در این مقاله به دنبال شناخت بهتر فرصت‌های به دست آمده از جمله سقوط دولت‌های استبدادی منطقه، ظهور دولت‌های جدید و بهبود روابط با ایران، دولت سازی و توازن جدید قدرت منطقه‌ای هستیم که این فرصت همراه با موقعیت‌هایی است. جمهوری اسلامی ایران با توجه به قوت‌هایی که داراست و نفوذ اسلام در این کشورها و اهدافی که ایران در سیاست خارجی پی‌گیر آن است از جمله کمک به مستضعفان جهان، جلوگیری از نفوذ اسرائیل در منطقه، ظلم ستیزی، استکبار ستیزی و... می‌تواند از این فرصت‌های به دست آمده استفاده کند و پی‌گیر اهدافش در منطقه باشد.

در ابتدا به زمینه‌های انقلاب در کشورهای عربی و سپس به فرصت‌های به دست آمده از این انقلاب‌ها می‌پردازیم و در آخر امر نتیجه گیری می‌کنیم.

زمینه‌های پیدایش انقلاب در کشورهای عربی

عوامل و متغیرهای متعدد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باعث قیام مردم در کشورهای عربی گردید در اینجا زمینه‌ها را بصورت خلاصه در کشورهای تونس مصر و لیبی بیان می‌نماییم.

الف. تونس

تونس نسبت به شرایط و پتانسیل خود با بقیه کشورها موقعیت جالبی دارد چنانچه ژاک شیراک رئیس جمهور سابق فرانسه، برای رشد اقتصادی تونس لقب معجزه اقتصادی داده است. البته این معجزه نامتوازن بوده است (حسینی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۱).

در نتیجه بیکاری و فقر در جامعه روز به روز بیشتر می‌شد و با توجه به توقع مردم نسبت به توسعه و سواستفاده و سو مدیریت حاکمان که خود باعث شکاف اقتصادی در بین جامعه شده است زمینه ساز انقلاب گردید.

دولت تونس در پنج دهه گذشته تقریباً به هیچ سازمان مردم نهادی اجازه رشد و بالندگی نداد و احزاب و جمعیت‌های مستقل در این کشور اجازه فعالیت نیافتند.

یکی از مطالبات مردم تونس داشتن آزادی، انجام شعائر دینی و مذهبی بود. در این کشور مردم از نماز جماعت و مراسم دینی واقعی محروم بودند و مردان برای داشتن محاسن و زنان برای داشتن حجاب کامل در تنگنا قرار داشتند (همان، ص ۸۲).

رژیم تونس در کنار تنگناهایی که برای مومنان ایجاد می‌کرد مانند بقیه کشورها دیکتاتوری منطقه به شیعه هراسی نیز دامن می‌زد. مثلاً هفته نامه الوطن تونس در جولای سال ۲۰۰۷ با چاپ مقاله‌ای به عنوان چگونه شیعه شدند و چرا؟ ضمن چاپ عکس ۹ نفر از شیعیان تونس مانند دکتر تیجانی و مبارک بغدادش به مسائلی مانند تعریف شیعه، کیفیت انتشار تشیع در تونس، مشکلات شیعیان در تونس و ازدواج موقت پرداخت و تلاش نمود با طرح شبهاتی بین مسلمانان تونس فتنه‌انگیزی کند (همان، ص ۶۱).

خودسوزی طارق الطیب محمد البوعزیزی متولد ۱۹۸۴، باعث شتاب گرفتن انقلاب شد وی از طریق دوره‌گردی و فروش میوه و سبزی مخارج خود و خانواده‌اش را تامین می‌کرد. وی بنا به اظهارات خانواده‌اش به مدت ۷ سال مورد ظلم و هجوم پلیس و شهرداری شهر سیدی بوزید قرار داشت. عوامل این دو سازمان به فرماندهی پلیس زنی به نام فادیه حمدی و کارمندی به نام صابر به طور متوسط دوبار در هفته میوه و سبزیجات محمد را ضبط می‌کردند. که پس از چندین بار مراجعه به شهرداری، استانداری و شنیدن توهین و عدم پیگیری مسوولین اقدام به خودسوزی در مقابل ساختمان استانداری شهر سیدی بوزید می‌نماید که محمد البوعزیزی پس از ۱۸ روز بر اثر جراحت درگذشت (همان، ص ۷۸-۷۹).

در واقع، خودسوزی جوان تونسی باعث اعتراضات شد و این اعتراضات به حکومت بن علی پایان داد. در مجموع دلایل خیزش را به صورت خلاصه می‌توان چنین بیان کرد: ۱. عدم توجه حکام به قوانین اسلامی با توجه به اینکه اکثریت مردم تونس مسلمان هستند؛ ۲. فسادهای مالی حکومت‌گران تونس و فقر نسبی مردم تونس؛ ۳. سوء استفاده مالی حاکمان؛ ۴. نبود دیسپلین در ادارات دولتی؛ ۵. اجبار برخی قوانین آزاد که در بعضی مراکز تونس منع شده بود (مانند منع حجاب اجباری در دانشگاه)؛ ۶. ایجاد محدودیت برای مراسم دینی و همچنین

تبعید و تبعیض قائل شدن با رهبران دینی؛ ۷. نبود پایگاه‌های مردمی در جامعه (ضعف جامعه مدنی)؛ ۸. روحیه آزادی‌خواهی انقلابیون؛ ۹. عدالت‌خواهی انقلابیون؛ ۱۰. تبعیض طبقاتی.

ب. مصر

مصر از دیدگاه سیاسی و فرهنگی یکی از مهم‌ترین کشورها در جهان عرب و خاورمیانه است و بسیاری از شهروندان مصری به ریاست سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای رسیده‌اند و دانشگاه الازهر مصر مهم‌ترین مرکز علمی اهل سنت محسوب می‌شود.

کشور مصر با توجه به تمدن و فرهنگی بالایی که دارد ملتش بیشتر از نظر سیاسی نسبت به دیگر عوامل از جمله فرهنگی و اقتصادی در مضیقه بوده‌اند.

کشور مصر در استقرار نظام مردم‌سالاری در دوران جدید با موانع بسیار دیگری مواجه است، موانعی که از یک سو ریشه در شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی کشور دارد و از سوی دیگر حاصل شرایطی است که بر کشورهای خاورمیانه به صورت عام و بر مملکت عربی به صورت خاص حاکم است. بیشتر صاحب‌نظران سیاسی مصر عموماً بر سلطه نسبی دولت در تاریخ این کشور تأکید دارند.

به دنبال مرگ ناصر در سال ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۰ سادات که از نزدیکان ناصر و از اولین گروه افسران آزاد بود و به قدرت رسید. سادات قدرت خود را با ابطال مفاد قانون اساسی که انتخاب دوباره او را به ریاست جمهوری به یک دوره شش سال محدود می‌ساخت از راه همه‌پرسی در می ۱۹۸۰ بیشتر تقویت کرد. به دنبال قتل سادات در اکتبر ۱۹۸۱ مجلس مصر، حسنی مبارک معاون وی را به عنوان جانشین سادات تعیین کرد. نوآوری او اصلاحیه ۱۹۸۳ بر قانون انتخابات ۱۹۷۲ بود که یک نظام کاملاً جدید نمایندگی را برقرار می‌کرد (خادمی، ۱۳۹۱،

۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ میلادی از سوی جوانان مصر و با الهام از انقلاب تونس به عنوان روز خشم نام‌گذاری شد. در این روزها ده‌ها مصری در چارچوب حرکتی فعالانه اینترنتی، مردم را به آن دعوت کرده و در مقابل شورای عالی قضایی تظاهرات کردند و برای اولین بار شعار مرگ بر حسنی مبارک سر داده شد (همان، ص ۱۰۶ و ۱۱۰).

مساجد و نمازهای جمعه میادگاه انقلابیون و معترضان بود. جوانان و فعالان سیاسی مصر با انتشار بیانیه‌هایی در شبکه‌های اجتماعی بویژه فیس بوک ملت مصر را به حضور گسترده فراخواند و تظاهرات روز جمعه ۸ بهمن ۱۳۸۹ که آن را جمعه خشم نامیدند از آن پس جمعه‌های پی در پی با نام‌های مختلف و مساجد محل تجمع انقلابیون بود.

ج. لیبی

جرقه‌های قیام مردم لیبی علیه دیکتاتوری «معمر قذافی» به شکل مجموعه‌ای از راهپیمایی‌های خیابانی، اعتراضات و نافرمانی‌های مدنی از ۱۳ ژانویه ۲۰۱۱ (۲۳ دی ۱۳۸۹) زده شد و تلفاتی نیز در پی داشت؛ اما قیام گسترده از "روز خشم لیبی" در ۱۷ فوریه ۲۰۱۱ (۲۸ بهمن) و پس از پیروزی انقلاب مصر و آغاز انقلاب بحرین آغاز شد.

اولین جرقه‌های از شب ۲۶ بهمن ۱۳۸۹ (شامگاه ۲۵ بهمن مصادف با ۱۴ فوریه ۲۰۱۱) با تظاهرات اعتراض‌آمیز در شهر "بن‌غازی" آغاز شد.

صدها فعال سیاسی مخالف رژیم قذافی خواستار برگزاری تظاهرات در روز ۱۷ فوریه (۲۸ بهمن) همزمان با ششمین سالگرد تظاهرات شهر بن‌غازی در سال ۲۰۰۵ شدند و سرانجام با دخالت غرب و حملات ناتو رژیم قذافی سرنگون شد.

فرصت‌های ایجاد شده از انقلاب‌های عربی

۱. سقوط دولت‌های استبدادی (سلطنتی)

سلطنت یا پادشاهی، شکلی است از نظام حکومت که در آن رئیس کشور عنوان پادشاه یا ملکه (یا معادل‌های آن‌ها مثل قیصر، تزار، خاقان، شاهنشاه) دارد. این عنوان معنای خاص نمادی دارد. ارسطو سلطنت را فرمانروایی یک نفره تعریف می‌کند و یکه سالاری (تیرانی) را صورت فاسد آن می‌شمرد. معمولاً جانشینی ارثی را صفت ویژه‌ی نظام پادشاهی می‌دانند اما پادشاهی ممکن است انتخابی باشد یا روا باشد که شاه جانشین خود را آزادانه تعیین کند و یا با فال‌زنی یا قرعه شاه را انتخاب کنند (آشوری، ۱۳۸۶، ص ۲۰۱-۲۰۲).

تونس، مصر و لیبی از جمله کشورهایی بودند که دارای حکومت‌های استبدادی بوده هرچند حاکمان آن مدعی دموکراسی بودند.

سقوط دولت‌های استبدادی در کشورهای مصر، تونس و لیبی از فرصت‌هایی است که ایران با توجه به اینکه کشوری مردمی است می‌تواند در این کشورها اثرگذار و روابط خود را با این کشورها را به صورت جدی پی‌گیر باشد. ایران اسلامی پیش‌قراول حکومت مردمی و اسلامی در منطقه است و از آنجا مردم این کشورها مسلمان هستند، خواستار حکومت مردمی و اسلامی‌اند و می‌تواند وجه اشتراک مناسبی برای تحکیم روابط ایران با این کشورها باشد.

۲. ظهور دولت‌های جدید و بهبود روابط با ایران

الف. روابط ایران با تونس

روابط سیاسی میان ایران و تونس در طول دوره گذشته از سطح چندان بالایی برخوردار نبوده به طوری که روابط میان دو کشور از سال ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۶۹ به طور کامل قطع بود و

پس از سه سال قطع رابطه در تاریخ دوم مهر ماه سال ۱۳۶۹ با بیانیه مشترک دو کشور مجدداً روابط از سر گرفته شد؛ پس از آن، روابط جمهوری اسلامی با تونس در سطح کاردار برقرار شد و از تابستان ۱۳۷۲ با ارتقای سطح روابط میان دو کشور، نخستین سفیر جمهوری اسلامی ایران در تونس فعالیت‌های خود را آغاز کردند (<http://www.irdiplomacy.ir>) چهارشنبه ۲ آذر ۱۳۹۰).

علی‌اکبر صالحی صبح روز دوشنبه (۴ اردیبهشت، ۱۳۹۱) با رفیق عبدالسلام وزیر امور خارجه تونس آخرین تحولات روابط دوجانبه در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و همچنین موضوعات منطقه‌ای را مورد گفت‌وگو و رایزنی قرار داد. وزیر امور خارجه ایران که به عنوان اولین مقام رسمی جمهوری اسلامی پس از انقلاب تونس به این کشور سفر کرده بود در این دیدار ضمن تبریک مجدد انقلاب مردم تونس، بار دیگر حمایت و همراهی جمهوری اسلامی ایران با تونس و مطالبات مردم مسلمان این کشور را اعلام کرد.

رفیق عبدالسلام وزیر امور خارجه تونس نیز در این دیدار با تقدیر از مواضع مردم و مقامات جمهوری اسلامی ایران در حمایت از انقلاب تونس، ضمن استقبال از گسترش همکاری‌های دو کشور، توسعه روابط در ابعاد مختلف را خواستار شد. رفیق عبدالسلام همکاری با کشورهای اسلامی را از اولویت‌های سیاسی خارجی تونس در پرتو انقلاب این کشور دانست و همچنین حق همه کشورها در استفاده از انرژی صلح آمیز هسته‌ای را مورد تاکید قرار داد.

صالحی در جریان سفر به تونس با راشد الغنوشی دیدار و گفت‌وگو کرد. راشد الغنوشی رئیس حرکت النهضه تونس با تجلیل از انقلاب اسلامی به عنوان راه‌گشای ملت‌ها و امید بخش به حرکت‌های ضد استکباری و ضد استبدادی، از شخصیت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی تجلیل کرد (<http://www.presstv.ir>) سه شنبه ۵ اردیبهشت ۱۳۹۱).

همچنین دیدار آیت‌الله تسخیری با رییس دانشگاه زیتونیه را نیز باید مدنظر داشت که در آن دیدار (آیت‌الله تسخیری نیز با بیان اینکه تمامی مذاهب اسلامی مخالف تکفیرند اختلاف در غیر اصول را امری عادی و مبتنی بر اجتهاد دانست (رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی، www.icro.ir، ۱۹ بهمن سال ۱۳۹۲).

حضور دکتر لاریجانی رییس مجلس شورای اسلامی ایران در تونس و سخنرانی در مجلس تونس خود نیز قابل‌تعمل است. همچنین در این دیدار آقای لاریجانی با رئیس مجلس عراق، رئیس مجلس تونس، رئیس جمهور تونس دیدار با راشد الغنوشی رئیس حزب النهضه دیدار و گفتگو کرد. (لاریجانی در مراسم جشن تصویب قانون اساسی تونس، ۱۸ بهمن ۱۳۹۲، icana.ir). همچنین در سخنرانی که لاریجانی در مجلس تونس داشت و خبرها حاکی از عذر خواهی رییس جمهور تونس در مقابل آمریکا بوده است که رییس جمهور تونس این خبر را تکذیب نموده بود (به دلیل سخنرانی «لاریجانی» از آمریکا عذر خواهی نکردیم، ۲۲ بهمن ۱۳۹۲، farsnews.com).

همچنین فرصتی که غافل نبودن از آن می‌تواند موثر باشد وجود گروه‌هایی در تونس که علیه افراط‌گرایی و سلفی‌گری هستند. احزاب قوی و با سابقه‌ای که رهبرانش در زندان‌های بن‌علی چند سالی را سپری کرده‌اند و برای ایران می‌تواند نقش یک گروه موثر را داشته باشند. یکی از این جریانات جنبش النهضه (حزب حاکم) است (<http://fa.bidarieslami.com>) چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۲).

همچنین غافل نماندن از اعتراض‌هایی که علیه کشورهای مانند عربستان و قطر در تونس اتفاق می‌افتد خود حاکی از تفکر جدید و موثری است که ملت تونس به آن توجه دارند. یکی از این موارد تظاهرات تونسی‌ها علیه دخالت‌های عربستان و قطر در شهر تونس است.

تونس‌ها پس از اخبار انتشار یافته درباره نقش قطر و عربستان در اعزام جوانان کشورشان به جنگ سوریه و تلاش این دو کشور برای تاثیر در فضای سیاسی تونس به سود سلفی‌ها، تظاهرات برگزار می‌کنند " (<http://fa.bidarieslami.com>) ۳۱ فروردین ۱۳۹۲).

مواردی که در بالا آمده است همگی نشان از فرصت‌هایی است که ایران باید از این فرصت‌ها استفاده نماید و می‌تواند از طریق کنفرانس اسلامی برای ایجاد نظم منطقه‌ای مطلوب و امنیت فراگیر و بدون سلطه قدرتهای خارجی تلاش نماید.

ب. روابط ایران با مصر

در تاریخچه مناسبات ایران و مصر، عامل «گرایش به صهیونیسم» همواره یک عنصر بازدارنده و تخریبی بوده است. این پدیده را می‌توان در جدائی حکومت جمال عبدالناصر و حکومت پهلوی به دلیل اتحاد محمدرضا با اسرائیل و فاصله جمهوری اسلامی از حکومت مصر به دلیل پیمان کمپ‌دیوید و ارتباط مصری‌ها با صهیونیست‌ها به روشنی مشاهده کرد. تنها پیش از تأسیس اسرائیل بود که رویکرد سیاسی دو کشور ایران و مصر با یکدیگر هم‌سوئی داشت و پادشاهی بودن هر دو سبب تحکیم پیوند آنها شده بود. در تابستان ۱۳۳۹ش. جمال عبدالناصر در پی نطق شدیدالحنی علیه حکومت شاه، دستور قطع رابطه سیاسی با تهران را به دلیل هم‌پیمانی شاه با اشغال‌گران صهیونیست صادر کرد. اتحادیه عرب با اعمال نفوذ جمال عبدالناصر، نام خلیج فارس را به نام جعلی «خلیج عربی» تغییر داد و کنفرانس حقوق‌دانان عرب نیز در ۱۳۴۳ ش. تحت نفوذ ناصر، برای نخستین بار از خوزستان ایران با نام جعلی «عربستان» یاد کردند. این اقدامات که با پوشش «پان عربیسم» تبلیغ می‌شد، از سوئی شکاف بیشتر بین شاه و سایر رژیم‌های عرب را در پی داشت و از سوی دیگر به حمایت بیش از پیش امریکا و رژیم صهیونیستی از شاه انجامید. سفر سادات به بیت‌المقدس و سپس انعقاد پیمان کمپ دیوید مقارن با وقوع انقلاب اسلامی ایران بود. از این رو با پیروزی

انقلاب، روابط تهران با قاهره در اعتراض به انعقاد این معاهده قطع شد (تاریخچه روابط ایران و مصر/ <http://www.asriran.com> سایت تحلیلی عصر ایران ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۶).

روابط خارجی ایران با مصر بعد از انقلاب مصر وارد مرحله نوینی شد و ایران از انقلابیون حمایت کرد. حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس کمیته سیاست خارجی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی با اشاره به چشم‌انداز روشن روابط دو کشور در گفت‌وگو با «جام‌جم» می‌گوید: «باید تاکید کرد، عمده موانعی که در جهت ارتباط دو کشور مصر و ایران بوده، برطرف شده است و اکنون بسیاری از گروه‌های انقلابی که انقلاب مصر را شکل دادند، داعیه اهدافی را دارند که جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌های خود به دنبال آنها بوده است. اصولاً ایران و مصر با در پیش گرفتن راهبردهای نزدیک یا مشترک منطقه‌ای می‌توانند منافع ملت‌های خود و ملت‌های اسلامی را در منطقه تامین کنند. به هر حال موارد اختلافی میان ۲ کشور که درباره پرچم و نامگذاری یک خیابان به نام خالد اسلامبولی بوده، تا حدی برطرف شده و ما می‌بینیم که مادر خالد اسلامبولی در میدان التحریر مصر حضور یافته و حتی با استقبال مردم نیز مواجه شده و این به آن معناست که موانع به صورت جدی در حال کمرنگ شدن هستند. اما چیزی که باعث تداوم قطع ارتباط ایران و مصر شده، سیاست‌های متاثر از رابطه‌هایی بوده که آمریکایی‌ها ایجاد کردند و نگذاشتند این روابط شکل گیرد» (<http://www.jamejamonline.ir> چهارشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۹۰).

نکته‌ای که مد نظر است این است که سفر رییس جمهور معزول مصر (مرسی) بعد از حدود ۳۲ سال حاوی نکاتی است که حائز اهمیت است. اولین نکته شاید این باشد که بدبینی نسبی بین ایران و مصر تا حدودی فروکش نموده و امر مسلم اینکه بعد از فروپاشی نظام پادشاهی در مصر اولین رییس جمهور مصر در کنفرانس عدم تعهد در تهران نشانه تغییر نگاهی است که مصر به ایران پیدا کرده است.

از مواردی که در رابطه با مصر باید در نظر داشت در پیش گرفتن تعادل در رابطه با این کشور است چرا، که دارای گرایش‌هایی است که گاه با ایران همسویی کامل دارند و ایران به راحتی می‌تواند در بعضی موارد از این گرایش‌ها بهره‌برد و باعث پیشبرد تعاملات ایران با مصر و جهت‌دهی به تحولات منطقه باشد. از جمله در رابطه با موضوع اسرائیل است و از سویی بعضی گروه‌ها بطور کلی سیاست‌هایی را خواستار هستند که بیشتر هم‌سو با سیاست‌های کشورهای غربی بخصوص امریکا است که باید این موضوع را در نظر داشت و بررسی کرد.

ج. روابط ایران با لیبی

در ۱۳۴۶ سفارت ایران در لیبی فعالیتش را شروع کرد و سفیر ایران در تونس به عنوان سفیر آکردیته در لیبی تعیین شد ولی روابط در حد تشریفات باقی ماند. با طرح مسئله جزایر سه‌گانه در ۱۳۵۰ و مخالفت لیبی با حق ایران، روابط به سردی گرایید و از ۱۳۵۱ قطع شد. با شروع نهضت اسلامی در ایران، روابط لیبی با دولت ایران تیره و با انقلابیون ایران نزدیک شد و با پیروزی انقلاب روابط گسترده‌ای میان دو کشور برقرار و در ۱۳۵۸، نمایندگی‌های دو کشور بازگشایی شد. با اوج‌گیری اعتراضات و شورش سراسری مردم لیبی در سال ۲۰۱۱، روابط دو جانبه میان دو کشور به حال تعلیق درآمد و سفیر لیبی در تهران از سمت خود استعفا کرد. ایران نیز بجز تعداد معدودی از کارمندان سفارت ایران در طرابلس، همه اتباعش را از کشور لیبی به ایران بازگرداند. در خلال درگیری‌های داخلی لیبی، ایران از طرفی از انقلابیون لیبی پشتیبانی می‌کرد و از طرفی انتقاد بر دخالت نظامی ناتو در خلال این درگیری‌ها داشت. بعد از پیروزی انقلاب لیبی، در پی دعوت مصطفی عبدالجلیل از علی‌اکبر صالحی در اوت ۲۰۱۱، وی به این کشور سفر کرد و پیام دعوت از مقامات شورای ملی انتقالی برای سفر به ایران را نیز به ایشان ابلاغ کرد (<http://www.afran.ir>، ۱۳۹۰).

ناسیونالیسم در کشور لیبی قوی است و ایران باید این نکته را در نظر داشته باشد و بیشتر هم‌سویی با سیاست‌هایی در لیبی را در نظر بگیرد که بیشتر جنبه ملی داشته باشد تا صرفاً حزبی و گروهی.

یکی از فرصت‌هایی که موثر است کنفرانس بیداری اسلامی است که می‌تواند روابط ایران با مصر، تونس و لیبی را بهبود بخشد و هم می‌تواند فرصتی برای دولت‌ها باشد و هم فرصتی برای هم‌فکری میان گروه‌ها حزبی، عقیدتی.

در بیانیه پایانی این کنفرانس آمده است: با تصمیم مجمع جهانی بیداری اسلامی، نخستین اجلاس علما و بیداری اسلامی با شعار «پیش به سوی نوسازی تمدن اسلامی» در روزهای ۱۰ و ۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲ هجری شمسی با حضور بیش از ۷۰۰ نفر از علما و اندیشمندان فعال در عرصه بیداری اسلامی از سراسر جهان در تهران برگزار شد و طی آن آخرین تحولات جهان اسلام، فرصت‌ها و چالش‌ها و چشم‌انداز جنبش بیداری اسلامی و نیز نقش و رسالت علمای امت مورد بررسی و تبادل نظر قرار گرفت. در این اجلاس کمیسیون‌های شش‌گانه تخصصی به شرح زیر تشکیل شد:

- کمیسیون شماره ۱: بنیان‌های نظری بیداری اسلامی
- کمیسیون شماره ۲: نقش علما در بیداری اسلامی
- کمیسیون شماره ۳: علما، فرصت‌ها و چالش‌ها در جهان اسلام
- کمیسیون شماره ۴: نظام حکومتی مطلوب در اسلام
- کمیسیون شماره ۵: آینده جهان و جایگاه امت اسلامی در آن
- کمیسیون شماره ۶: رسول اکرم ﷺ محور امت اسلام

شرکت‌کنندگان ضمن ابراز خرسندی از توفیقات جنبش بیداری اسلامی و توجه به فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو، در نشست‌های عمومی و کمیسیون‌های تخصصی بر موارد زیر توافق و تأکید کردند که بصورت خلاصه می‌آید.

۱. رسول گرامی اسلام ﷺ به عنوان انسان کامل و برترین مخلوق خداوند به مصداق آیه شریفه لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ موهبتی عظیم و اسوه‌ای حسنه برای تمامی مسلمانان به شمار می‌آید.

۲. بیداری اسلامی ریشه در اسلام ناب محمدی ﷺ و حضور میلیونی مردم داشته و اقامه ارزش‌های دینی، احیای هویت و تمدن اسلامی و برپایی عدالت اجتماعی از مهم‌ترین تقاضاها و اهداف آن است.

۳. جنبش عظیم و افتخار آفرین بیداری اسلامی در سال‌های اخیر نتیجه قرن‌ها فداکاری و مجاهدت علما و مجاهدانی است که بی‌وقفه به آبیاری این شجره طیبه پرداخته‌اند.

۴. وظیفه خطیر علما و اندیشمندان جهان اسلام در شرایط کنونی تبیین ابعاد نظری و بنیان‌های قرآنی، روایی و فقهی بیداری اسلامی، اشاعه اهداف و آرمان‌های اصیل آن و مقابله با هر اندیشه افراطی و یا تفریط‌گرایانه‌ای است که در پی به انحراف کشاندن این حرکت مردمی است. این امر تنها در سایه اجتهاد و جهاد مستمر در امکان‌پذیر خواهد بود.

۵. علمای اسلامی باید ضمن مقابله با تحجر و سطحی‌نگری، به منظور تربیت نسل جدید و ایجاد روحیه خودباوری علمی و اعتماد به نفس در آنان و همچنین پاسخ‌گویی به شبهات، نیازها و تقاضاهای جدید جوامع اسلامی، به ویژه نیازهای جوانان و زنان که نقش تعیین‌کننده و مؤثری در شکل‌گیری روند جنبش بیداری اسلامی داشته‌اند، توجه مضاعفی به تزکیه نفس و روزآمدسازی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های علمی داشته باشند.

۶. بدون تردید وحدت رمز پیروزی و مایه رشد و تعالی و تفرقه مهم‌ترین عامل شکست حرکت امت اسلامی است.

۷. تکفیر، تفسیق و وارد ساختن اتهام شرک و بدعت به مسلمانان دیگر و اهانت به مقدسات آنان موجب سوء استفاده دشمنان اسلام و افزایش دشمنی و اختلاف میان برادران دینی می‌شود.

۸. شرکت‌کنندگان در کنفرانس مسئله فلسطین را مهم‌ترین دغدغه و موضوع محوری جهان اسلام می‌دانند.

۹. مسلمانان سراسر جهان و به ویژه علمای امت، باید در برابر توطئه‌هایی که با هدف تضعیف جبهه مقاومت اسلامی در برابر رژیم صهیونیستی و نظام استکباری حامی آن صورت می‌گیرد، هوشیاری لازم را به خرج داده و اجازه ندهند که جبهه مقاومت به عنوان خط مقدم مبارزه علیه اشغال‌گری، دست‌خوش تفرقه و تخطئه قرار گیرد.

۱۰. شرکت‌کنندگان در کنفرانس تنها راه‌حل سوریه را گفتگو و مذاکره می‌دانند.

۱۱. شرکت‌کنندگان اقدامات تروریستی را محکوم کردند.

۱۲. توطئه‌ها و فعالیت‌های نظام سلطه و استکبار برای به انحراف کشاندن روند بیداری اسلامی و به بن‌بست کشاندن آن با بهره‌گیری از قدرت نرم و سخت، امری است که باید با دقت‌نظر مورد توجه تمامی مسلمانان قرار گیرد.

۱۳. استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل با سیاست‌های سازمان یافته و برنامه‌های نوین عملیاتی از قبیل تولید فیلم، اهانت به ساحت مقدس قرآن کریم و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و همچنین ممانعت از حجاب و ساخت مساجد و اماکن اسلامی خط تقابل و رویارویی با امت اسلامی را در دستور کار خود قرار داده است.

۱۴. با توجه به سلطه قدرت‌های استکباری بر فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای در سطح جهانی، کشورهای اسلامی باید با حفظ وحدت و انسجام از تمامی مظلومان و مستضعفان و آزادی‌خواهان جهان حمایت و پشتیبانی نمایند.

۱۵. علمای مسلمان از دولت‌ها می‌خواهند که ضمن محکوم کردن سیاست‌های دوگانه غرب در زمینه حقوق بشر، آزادی بیان و برخورداری از فناوری‌های پیشرفته از جمله فناوری هسته‌ای، اجازه ندهند که غرب با بهره‌گیری از قدرت سیاسی و رسانه‌ای خود، معیارهای فرهنگی و سیاسی خود را به مثابه معیارهای جهانی بر کشورهای اسلامی تحمیل نماید.

۱۶. مسلمانان باید با ایجاد نهضت تولید علم و بهره‌گیری از تجربیات مختلف و با اعتماد به نفس و خودباوری، و تلاش برای الگوسازی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر اساس آموزه‌های دینی و بومی، جایگاه شایسته خود را در سطح بین‌المللی بازیابی و بازسازی نموده و با جهانی‌سازی اسلام وعده الهی «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» را محقق کنند.

۱۷. علمای مسلمان وظیفه دارند با پویاسازی فقه سیاسی و ایجاد تحول در علوم انسانی، در جهت نظریه‌پردازی نظام مردم‌سالاری دینی، اقدام کنند.

در اینجا بیشتر توجه به نکاتی هست که در کمیسیون‌های شش‌گانه مورد نظر می‌باشد که در اول نظر بیداری اسلامی می‌باشد یعنی نقطه‌ای که مسلمین سراسر دنیا از آن با خبر شده‌اند که باید آن را از حوزه نظر به حوزه عمل آورد و باور داشت که جهان اسلام از خواب غفلت بیدار شده و نیاز به تجدید نظر در درجه اول در سطح مسلمین و روابط با خودشان و بعد در عرصه بالاتر و نحوه تعامل با جهان کفر می‌باشد. کمیسیون دوم به نقش علما پرداخته و نفوذی که علما در بین مسلمین دارد مد نظر است. سومین کمیسیون فرصت‌ها و چالش‌هایی که علمای جهان اسلام با آن سروکار دارند. چالش‌هایی در سطح مسلمین مانند سلفی‌گری و

افراط‌گرایی و فرصت‌هایی مانند همبستگی بین مسلمین از طریق کتاب و سنت پیامبر که بیشتر باید تاکید بر قرآن کریم و نقش پیامبر داشته باشند. کمیسیون چهارم حکومت مطلوب بدون افراط و تفریط می‌باشد که باید توجه وافر به آن داشت نه حکومت سکولاری مانند ترکیه و نه حکومت افراطی مانند عربستان.

۳. دولت سازی

با سقوط دولت‌های استبدادی در کشورهای عربی مهم‌ترین مسئله شکل‌گیری دولت‌های جدید است که برای ایران اسلامی فرصت محسوب می‌شود تا دولت‌های جدید در کشورهای تونس، مصر لیبی نه تنها مخالف ایران نباشند بلکه دوست ایران در منطقه باشند. بنابراین اگر دولت جدید مردمی، مستقل و اسلامی باشد وجه اشتراک زیادی با ایران و اهداف سیاست خارجی ایران در منطقه خواهد داشت و ایران باید تلاش کند تا دولت‌های جدید از ویژگی‌های فوق برخوردار شوند. دولت سازی یکی از شاخص‌های فرصت‌ها است.

تونس

دولت تونس اکنون نیاز به دولت‌سازی دارد.

«کشور تونس دولتی است آزاد، مستقل با داشتن حق حاکمیت ملی که دین آن اسلام و زبان آن عربی و سیستم حکومتی جمهوری می‌باشد.» (تقی پور، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸)

نکاتی را که می‌توان از همین اصل اول در قانون اساسی تونس بررسی نمود به شرح زیر می‌باشد:

کشور تونس جزء مستعمره فرانسه بوده است. اولین نکته که می‌توان از شروع این اصل استنباط کرد روحیه ضد استعماری و عدالت‌خواهانه مردم تونس است که قبلاً مستعمره فرانسه

است. نکته بعدی که در این اصل استنباط می‌شود مستقل بودن آن است. سومین نکته را می‌توان از این اصل بررسی نمود پذیرفتن دین رسمی اسلام است.

با توجه به این نکته متوجه می‌شویم که مسیحیت در تونس ریشه آنچنانی نمی‌تواند داشته باشد و فعالیت‌های مسیون‌های مسیحی از سال ۱۸۵۷ با انجام امور عام المنفعه از تونس آغاز و از سال ۱۸۸۰ جنبه مذهبی صرف به خود می‌گیرد (تقی پور، ۱۳۸۸، ص ۲۱). البته ذکر دقیق این نکته این نیست که حقوق اقلیت‌ها را در تونس نادیده بگیریم.

نکته دیگر که از اصل اول قانون اساسی ۱۹۵۹ تونس می‌توان استنباط کرد زبان رسمی آن عربی است.

نکته‌ی آخری که در اصل اول قانون اساسی سال ۱۹۵۹ تونس باید به آن توجه کرد سیستم حکومتی می‌باشد که تونس در آن سال سیستم حکومتی جمهوری را در نظر گرفته است.

جمهوری، نوعی حکومت که در آن جانشینی رئیس جمهور ارثی نیست و مدت ریاست جمهوری در آن محدود است و انتخاب رئیس کشور رئیس جمهور نامیده می‌شود. در سنت سیاسی غرب، پیش از انقلاب آمریکا و فرانسه حکومتی را جمهوری می‌نامیدند که سود و رفاه کلی مردم را در نظر (آشوری، ۱۳۸۶، ص ۱۱۱).

با توجه به ساختار اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دینی ساختار کشور تونس ساختار آن غیر همگون می‌باشد اگر از نظر ایدئولوژیکی بخواهیم بررسی نماییم این کشور دارای ایدئولوژی‌های گوناگونی هستند و احزاب و گروه‌های متفاوت و گاه متضاد را می‌توان در آن دید. مثلاً احزابی از کمونیست‌ها، دموکرات‌ها، احزاب اسلامی در کشور تونس وجود دارند

که در زیر به صورت اختصار، آنها را بررسی می‌نماییم. در روند دولت سازی باید به گروه‌های اقلیت نیز توجه کرد و فقط اکثریت را در نظر نگرفت.

نهضت‌ها، گروه‌ها، و احزاب اسلامی در تونس در روند دولت سازی

۱. جنبش اسلامی تونس

متشکل از نیروهای گوناگون بود که در افکار و ایده‌ها و روش ایجاد تغییر با هم اختلاف نظر داشتند و ظاهراً این نیروها از لحاظ کمی و کیفی نیز در انجام وظیفه متفاوت بودند. جنبش نهضت کنونی برجسته‌ترین این نیروها در تمام سطوح و وارث شرعی جنبش اتجاه اسلامی است که به علت مواجه شدن با مشکلات و مسائلی، گروهی از آن جدا شدند و تشکیلات خاصی را به وجود آوردند (تقی پور، ۱۳۸۸، ص ۲۴۱).

جنبش نهضت شاهد دو بحران مهم سیاسی بود که بحران اول منجر به استعفای گروهی از چپ‌گرایان اسلامی و بحران دوم باعث لغو عضویت شیخ عبدالفتاح مورو و گروهش شد. شیخ مور سعی کرد حزب ملت را به وجود آورد اما دولت (وقت) با تقاضایش مخالفت کرد.

جناح چپ اسلامی که در دوم سپتامبر ۱۹۸۵ به وجود انجمنی فرهنگی به رهبری صلاح‌الدین الجورش بود. این جناح به تلاش و مشارکت در امور سیاسی و فکری، بر اساس کثرت‌گرایی و دموکراسی بدون سرکوب، ظلم و استبداد گروه‌ها معتقد است. این جریان تلاش می‌کند که در سطح فکری، عملی، حاکمیت و سیاست خود را به جریان چپ مارکسیسم نزدیک کند و در مقابل آشکارا و به شدت با جنبش نهضت مخالف است (همان، ص ۲۴۱ - ۲۴۲).

۲. جهاد اسلامی

سازمان الجهاد در اواخر دهه ۱۹۸۰ به رهبری «عبدالسلام فرج»، فعالیت خود را آغاز کرد. عبدالسلام فرج با تاسیس مسجد عمر بن عبدالعزیز در قاهره و جمع کردن افراد همفکر خود، از جمله «عبود الزمر»، موفق شد ۵۰ نفر از نیروهای زبده را تحت تعلیم قرار دهد (مالکی، ۱۳۹۰، ص ۶).

هسته اصلی تشکیلات جهانی جهاد است که از تئوری‌های بسیار ساده و ابتدایی برخاسته و پیچیدگی مسئله مورد بحث را به کلی نادیده می‌گیرد. جزوه‌ای را که محمد عبدالسلام فرج به نام «الفریضه الغائیه» نوشته است چارچوب و قالب فکری و مرجع تشکیلات به شمار می‌آید. محمد عبدالسلام فرج در فریضه الغائیه ابتدا به تحلیل اوضاع امت می‌پردازد و سپس بر ضرورت جهاد برای برپایی حکومت خلافت به عنوان هدف نهایی جنبش تأکید می‌کند. جزوه که پانصد نسخه از آن به چاپ رسیده است و در اختیار اعضای تشکیلات و علاقه‌مندان قرار گرفته است. این گروه افکار ساده‌لوحانه‌ای دارند و ریشه‌ی همه معضلات و گرفتاری‌ها را نظام سیاسی می‌دانند و کمتر به فرهنگ، اعتقاد، جامعه و نظام بین‌الملل توجه می‌نمایند.

فرج معتقد است که برکناری هیئت حاکمه و نابودی نظام، خواه ناخواه منجر به ایجاد خلافت می‌شود (تقی‌پور، ۱۳۸۸، ص ۲۴۲) فرج معتقد به ساختن حزب نیست و آن را صحیح نمی‌داند و حزب را همکاری با کفر می‌داند. هسته جهاد اسلامی در راستای تفکر رهبری خود اقدام به انفجارهایی در سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۷ داشته‌اند. حبیب الصناوی رهبر این هسته در مقابل هیئت منصفه دادگاه در سال ۱۹۸۶ در توجیه اعمال تروریستی خود اظهار داشت: «برخلاف تبلیغاتی که علیه ما می‌شود ما دزد یا راهزن نیستیم بلکه فقط برای مبارزه با حکومت دست‌نشانده امپریالیسم آمریکا و فرانسه به اسلحه نیاز داریم ما می‌خواهیم برای شکل‌گیری انقلاب در تونس آشوب لازم را برپا کنیم» (همان، ص ۲۴۵-۲۴۶).

۳. حزب الخزیر

این حزب هسته تابع یک تشکیلات مرکزی جهانی بود که تمام تمرکز خود را بر تفکر نهاده و به مسئله آموزش و تربیت اهمیتی نمی‌داد. هم‌چنین حزب در اسناد خود، یعنی کتاب الدوسیه و الدستور اسلامی به مسئله آزادی به عنوان مفهوم و مشکلی سیاسی که منشأ مشکلات اصلی در زمینه حکومت، اجتماع و اقتصاد است، توجهی نمی‌کند. آنچه در اساسنامه حزب آمده است مأموریت حزب فقط نشر افکار است. بنابراین؛ حزب خود را موظف به تبلیغ برای نماز، روزه و غیره نمی‌داند زیرا این کارها چنان که در الدوسیه آمده است وظیفه دولت اسلامی است که هنوز برپا نشده است. حزب علاوه بر این انواع گروه‌ها مبلغ اسلامی را خطر بزرگی برای اسلام و مسلمانان می‌داند.

النبهانی بنیان‌گذار حزب معتقد است جنبش‌هایی که از نظر تاریخی پیش از این حزب به وجود محکوم به شکست‌اند؛ زیرا فقط بر عامل تحریک تکیه کرده‌اند (همان، ص ۲۴۷-۲۴۹).

۴. جبهه نجات اسلامی

رهبر آن، محمدعلی حراثی است. این جبهه چهار هدف اساسی دارد:

الف. عقیده: مبتنی به دور از شرک مؤمنان و تأکید بر توحید بر پایه کتاب و سنت.

ب. برتری جویی: رویگردانی از مشرکان و مبارزه با جاهلیت به منظور تحقق حاکمیت خداوند متعال که برای رسیدن به آن باید تحت حکومت اسلامی ایجاد و بعد خلافت اسلامی برپا کرد.

ج. ترقی جویی: عبور از حیطة ضعف و سستی در تفکر، اجتماع، اقتصاد و سیاست برای رسیدن مسلمانان به غرور و قدرت.

د. دعوت به خدا و مقاومت در مقابل هر نوع جنگی که استکبار جهانی حاکم بر سرزمین ما مسلمانان تحمیل می‌کند. آنها معتقدند مبارزه تنها راه رسیدن به این اهداف است (همان، ص ۲۵۰-۲۵۱).

۵. جنبش اسلامی النهضه

جنبش اسلامی النهضه که رهبر آن راشد الغنوش می‌باشد با رفتن بن علی دوباره اعلام موجودیت کرد (امیرشاهی، ۱۳۸۴، ص ۷۴). الغنوشی در مورد انقلاب اسلامی می‌گوید: در واقع پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، موجب آغاز مبارزه کنونی میان قدرت‌های طاغوتی و رژیم‌های جبار از یک طرف و ملل محروم و آزادی‌خواه از جهت دیگر گردید و به همین دلیل است که این انقلاب به زودی الگویی برای هدایت تمامی آزادیخواهان جهان در کشورهای مسلمان نشین و کشورهای در حال رشد خواهد بود و ایران پایگاهی برای آزادی، روشنگری و تبیین رسالت در سطح جهانی خواهد بود» (shakhsiatnegar.com، راشد الغنوشی).

استفاده از جریان‌های همسو با ایران در تونس

ایران می‌تواند از جریان‌های مردمی و اسلامی در جهت دولت‌سازی با گرایش‌های دوستانه با ایران، حمایت کند. برای این کار باید گروه‌ها و شخصیت‌هایی که می‌توانند تاثیر به‌سزایی بر روند دولت‌سازی داشته باشند مورد حمایت قرار دهد. ایران، باید طیف‌های خاصی را در نظر گیرد و روابط خود را با آنها کم و بیش قوی نماید چرا که در عالم سیاست وقایع مطلق نیستند بلکه نسبی هستند و به گونه‌ای در سیاست تعامل سازنده برقرار نماید که بازی با حاصل جمع صفر نباشد بلکه بازی را با نتیجه برد دنبال نماید. نکته دیگری که در رابطه با تونس باید در نظر داشت اینکه تونس کم و بیش متحدتر از مصر هستند و بیشتر ملی فکر می‌کنند تا حزبی. البته؛ این به معنای این نیست که ایران حزب یا گروه خاصی را بیشتر

حمایت نکند بلکه به این معنی است که در سیاست خارجی خود بیشتر اهداف کلی و ملی تونس را در نظر داشته باشد تا اهداف اسلام بهتر در منطقه صورت گیرد. برخلاف مصر که احزاب و گروه‌های خاصی ممکن است قدرت را به دست گیرند مانند اخوان، تونس بیشتر اهداف ملی را در نظر دارد و جمهوری اسلامی می‌تواند در رابطه با تونس به گونه‌ای عمل نماید که بیشتر کارهایی را در سطح عمرانی و زیر ساختی در تونس وارد شود. یعنی به گونه‌ای که اگر می‌خواهد موثر واقع شود و نفوذش افزایش یابد باید بیشتر بر روی گزینه‌هایی مانند دولت‌سازی و در بحث اقتصادی کارهای عمرانی را پیگیر شود.

مصر

آنچه در فرایند دولت‌سازی مهم به نظر می‌رسد وجود گروه‌ها و احزاب و ایدئولوژی‌ها مختلف می‌باشد که در زمینه دولت‌سازی هر گروه یا حزبی به دنبال سهم‌خواهی بیشتر است. در حال حاضر تشکیل احزاب در مصر سومین تجربه در دوران حکومت جدید مصر محسوب می‌شود. اولین مرحله تشکیل احزاب در فاصله زمان ۱۹۲۲ تا ۱۹۵۳ صورت گرفت. با توجه به تسلط استعمار انگلیس بر اوضاع سیاسی مصر در آن دوره و نقشی که این امر در ظهور احزاب داشت به طور کلی تفکر حزبی در مصر زیر سؤال رفته بود. مردم و کسانی که قدرت را پس از ۱۹۵۲ به دست گرفتند نسبت به تفکر حزبی مشکوک بودند (وزارت خارجه؛ ۱۳۷۳، ص ۳).

احزاب و گروه‌های اسلامی همسو با ایران در مصر

۱. حزب کار و ائتلاف اسلامی

حزب کار در قالب ائتلاف جدید با اخوان المسلمین و حزب الاحرار در انتخابات شرکت کرد و برنامه‌های انتخاباتی آن تجلی آشکاری از جهت‌گیری‌ها و خط مشی اسلامی تحت عنوان اسلام (راه حل است) بود. جوهر تفکرانی منشور حزب این بود که از آنجا که اسلام بدون عیب و ایراد است و از جانب خداست تنها ناجی ما از مشکلات و ویرانی‌هاست (وزارت خارجه، ۱۳۷۳، ص ۳۱).

ائتلاف انتخاباتی ۱۹۸۷ حزب کار تغییراتی ایجاد شده بود، از جمله تمرکز و توجه خویش را اسلام قرار داد.

دو بند مهم و اساسی در خصوص دو مسئله مد نظر قرار داد. اول، اجرای قوانین اسلام (که به صورت بسیار خلاصه در برنامه یکی حزب مورد توجه قرار گرفته بود) و نیز در برنامه نیمه دهم سال ۱۹۸۳ در ضمن بحث درمان مشکلات اساسی ذکر شده بود.

۱. اهل کتاب نیز مانند هم‌وطنان ما بوده و آنچه برای مسلمانان مجاز است برای آنان نیز مجاز خواهد شد.

۲. جایز نیست قوانین متضمن مواردی باشد که با دین اسلام مخالف است (همان، ص ۳۱-۳۲).

حزب کار که حزبی سوسیالیستی بود با اسلام وجه مشترکاتی را دارا بود. از جمله بهره سودی بانکی و همچنین استعمارستیزی که این عوامل را شاید بتوان علیه سرمایه‌داری به کار برد و باعث ائتلاف بیشتر حزب کار با گروه‌های اسلامی از جمله اخوانی‌ها دانست.

۲. حزب ناصری

حزب ناصری گروهی از ناصری‌ها نامیده می‌شوند به عنوان یک نیروی سیاسی محدود از طریق تشکیل سازمان جوانان سوسیالیست در ۱۹۶۵ در خلال حکومت جمال عبدالناصر در صحنه ظاهر شدند (همان، ص ۷۷).

رابطه ناصری‌ها با جنبش اسلامی

به رغم خصومت میان ناصری‌ها و جنبش اسلامی و به ویژه اخوان المسلمین برخی از مسئولان ناصری در ۱۹۸۷ درخواست گفتگو با جناح اسلامی را نمودند و گفتند ناصریسم یک طرح فرهنگی است که اسلام یکی از پایه‌های اساسی آن را تشکیل می‌دهد (همان، ص ۸۷).

۳. حزب الامه

حزب الامه اولین حزب رسمی در مصر که مجوز آن از سوی دولت صادر شد. احمد الصباحی رئیس حزب یکی از قاریان برجسته می‌باشد. وی طالع‌بین بوده و دارای تألیفات زیادی در این زمینه می‌باشد. صباحی حیات سیاسی خود را در میان کمونیست‌ها آغاز کرد. و سپس به حزب مصر الفتاه پیوست که بعداً به حزب سوسیالیست تغییر نام داد.

هدف اساسی حزب تشکیل دولت اسلامی با استناد به ماده هشتم قانون اساسی می‌باشد که در آن آمده است.

دین اسلام، دین رسمی کشور است و قانون اسلام منبع اصلی قانون‌گذاری است هدف حزب تشکیل حکومت بزرگ اسلامی است (همان، ص ۱۰۱-۱۰۲).

رئیس حزب در خلال جنگ تحمیلی علیه ایران پیشنهاد کرد مسلمانان به جبهه‌های جنگ بشتابند و قرآن‌ها را میان سپاه دو کشور بالا ببرند.

بعد از جنگ عراق و کویت حزب دعوت به یک مصالحه عربی - اسلامی که متکی بر چند اصل باشد، نمود. از جمله این اصول عبارتند از: اول ایجاد رهبری سیاسی بر اساس نظام دموکراسی در تمام کشورهای اسلامی. دوم تشکیل مجلس شورا که مورد حمایت پارلمان عربی اسلامی باشد.

۴. حزب وفد

حزب سابق وفد، مردمی‌ترین حزب در رژیم پادشاهی در مصر بود و در جریان جنبش‌های مردمی ۱۹۱۹ که بر علیه انگلستان صورت گرفت از میان توده مردم به وجود آمد.

ایران می‌تواند با این احزاب تعامل سازنده داشته باشد و پیگیر اهداف خود در سیاست خارجی در مصر باشد. چرا که حزبی مانند حزب الامه دیدگاهش کم و بیش در سیاست خارجی با ایران هم‌خوانی دارد و در آینده می‌تواند پلی برای برقراری ارتباطات مستحکم‌تر باشد و یا حربی مانند وفد می‌تواند از نظر دموکراتیک مورد استقبال مصر قرار گیرد، چون بیشتر مردمی است. آنچه در کشوری مانند مصر مهم جلوه می‌کند اینکه مصر ساختاری پیچیده دارد و مانند تونس کشوری به نسبت یک دست نیست و به نظر می‌رسد که ایران برای پیشبرد اهدافش در مصر باید سیاستی گام به گام و مستمر ایجاد کند و بیشتر با گروه‌ها و احزاب روابط پیدا کند و روابط خود را دولت مصر و در امر دولت سازی بیشتر در حیطه روابط دیپلماتیک باشد.

مفهوم دولت‌سازی

کیت جیگز دولت‌سازی را چنین تعریف می‌کند: دولت‌سازی فرآیندی است که دولت نه تنها از نظر سودمندی اقتصادی و اجبار حکومتی بلکه هم‌چنین از نظر قدرت نهادهای سیاسی رشد پیدا می‌کند (زرگر، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷).

در روند دولت‌سازی باید دو عامل داخلی و خارجی را در نظر گرفت. ابتدا به عامل داخلی می‌پردازیم:

همان‌طور که قبلاً به بررسی مطالعه‌های موردی کشورهای تونس و مصر پرداختیم باید در نظر گرفت که این کشورها دارای ادیان الهی مختلف، زبان‌های متفاوت، شیوه‌های فکری متفاوت (به خصوص در تونس که تعامل بیشتری با اروپا داشته از نظر جغرافیایی) قومیت‌های مختلف، احزاب متفاوت و گروه‌های مختلف و گاه متفاوت هستند که باید در نظر گرفت که دولت‌سازی فرایندی است که نمی‌توان این اختلافات مختلف را نادیده گرفت.

همچنین عوامل خارجی در روند دولت‌سازی را می‌توان چنین در نظر گرفت: ۱. دخالت دولت‌های دیگر؛ ۲. نقش سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان ملل و غیره؛ ۳. نقش سازمان‌های منطقه‌ای، مانند کنفرانس اسلامی؛ ۴. نقش قراردادهای دوجانبه بین کشورها؛ ۵. نقش احزاب بین کشورها مانند اخوان، بعث و غیره؛ ۶. نقش گروه‌های متعهد در داخل و خارج مانند القاعده و غیره؛ ۷. نقش افراد و گروه‌های فشار در خارج از این کشورها و خارج از این کشورها.

همه عواملی که در بالا اشاره شد می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در این کشورها (که انقلاب و تحولاتی ایجاد شده) داشته باشند.

طبق تعریف کیت جیگز برای دولت‌سازی چندین مورد را باید در نظر گرفت اولین نکته‌ای که در این تعریف به ذهن می‌رسد سودمندی اقتصادی می‌باشد.

سودمندی اقتصادی را به تعبیری می‌توان چنین در نظر گرفت که اقتصاد داخلی و همچنین اقتصاد خارجی (روابط اقتصادی) نقش مهمی دارا می‌باشند. نباید نادیده گرفت که یکی از دلایل تحولات این کشورها بُعد اقتصادی آن در این انقلاب‌ها است.

دومین نکته در تعریف جیگرز که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد اجبار حکومتی است. در اینجا می‌توان چنین برداشت نمود که اجبار حکومتی بیشتر شامل مواردی مانند قانون‌سازی و چگونگی رابطه بین فرد و دولت می‌باشد و همچنین نحوه برخورد دولت با فرد و همچنین نقش قوانین مدنی، پلیس، زور و این که افراد این جوامع ظرفیت پذیرش چگونگی قبول اجبار حکومتی را داشته باشد.

سومین برداشتی که از تعریف جیگرز به ذهن برسد قدرت نهادی و سیاسی می‌باشد که بیشتر برای پذیرفتن قدرت نهادی و سیاسی و نقش مؤثر آن بر افراد جامعه است و این که نقش افراد، احزاب، سازمان‌ها، گروه‌های فشار، گروه‌های مختلف و... را در نظر داشته باشد.

اگر بخواهیم این تعریفی را که کیت جیگرز آورده را برای دولت‌سازی بررسی نمائیم باید ابتدا، تمدن، دین، زبان، فرهنگ و... این جوامع را شناخته و سپس به دولت‌سازی پردازیم.

نیاز سیاسی شامل: دولت‌سازی، مشارکت مردمی و نهادهای سیاسی است.

الف. در دولت‌سازی به مواردی پرداخته شود که به آنها نیاز است، مانند قانون اساسی، ساختار حکومت، تعیین رئیس جمهور، انتخابات پارلمانی، قوه قضائیه، قوه مقننه می‌باشد. اینکه قانون اساسی شامل چه قانونی باشد، مهم است.

اکثریت مردم این کشورها مسلمان هستند، هر چند سابقه دیگر ادیان الهی مانند یهودی و مسیحی نیز در این کشورها سابقه‌ای دیرینه‌ای دارند و یا گاه ممکن است که گروه‌های لائیک نیز در این کشورها وجود داشته باشد. اما باید دانست که یکی از عوامل خیلی مهم در این انقلاب‌ها نقش دین در این جوامع است.

حکومت‌ها را بر اساس رابطه قوه مقننه و قوه مجریه طبقه‌بندی کرده‌اند. اگر قوه مجریه در برابر پارلمان یا قوه مقننه مسئول باشد حکومت را پارلمانی یا کابینه‌ای می‌نامند. اما اگر قوه

مجریه مسئول پارلمان نباشد نظام حکومت ریاستی خواهد بود. در نظام ریاستی قوه مجریه از پارلمان برنیامده است یا پارلمان نمی‌تواند آن را عزل کند. به دیگر سخن حکومت پارلمانی یا کابینه‌ای مبتنی بر ائتلاف و همکاری قوای مجریه و مقننه است و حکومت ریاستی بر جدایی کامل این قوا قرار دارد. بریتانیا نمونه کلاسیک حکومت پارلمانی و آمریکا نمونه حکومت ریاستی‌اند (عالم، ۱۳۸۲، ص ۳۲۱). آنچه می‌توان در نظر گرفت اینکه این کشورها می‌توانند نظامی اسلامی مانند ایران داشته باشند و این مقوله شامل انتخابات نیز می‌باشد که نباید اقلیت را نادیده گرفت.

ب. دومین موضوعی که در نیازهای سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد مشارکت مردمی است.

مشارکت مردمی در واقع نحوه شرکت جستن افراد جامعه (شهروندان) در رابطه با تصمیم‌هایی که حکومت برای شهروندان می‌گیرد مرتبط است. آنچه در مشارکت مردم مهم است حضور مردم برای سرنوشت خود و کانال‌هایی ارتباطی که شهروندان با حکومت‌گران برقرار می‌نمایند.

در مشارکت مردم چندین مقوله حائز اهمیت می‌باشد از جمله آزادی افراد احزاب، گروه‌ها، قوانین احزاب، فرهنگ مشارکت و قوانین مشارکت.

ج. مهم‌ترین موضوع که در مشارکت مردم قابل ذکر است آزادی و انتخاب آزادانه مردم در نحوه مشارکت‌جویی می‌باشد که این مشارکت باید در قانون مشخص شود. احزاب می‌توانند در این امر موثر واقع شوند. احزاب کانال‌هایی هستند برای آزادی عقاید و آزادی بیان و... و همچنین احزاب ورودی و خروجی‌هایی هستند برای انتقال خواسته‌های افراد آن حزب و خواسته‌های احزاب دیگر برای قوانینی که قانون اساسی آن را تعیین می‌کنند. در کشورهایی

که به قوانین مدنی توجه بیشتری شده است احزاب موثرتر می‌توانند عقاید و خواسته‌های خود را از حکومت طلب کنند.

قوانین احزاب بیشتر بستگی به قوانین و فرهنگ داخلی کشورها مرتبط است و این به معنای آن نیست که نقش عوامل خارجی (کشورها و یا گروه‌های دیگر) دیگر را در شکل‌گیری احزاب نادیده گرفت بلکه منظور آن است که احزاب و گروه‌ها بیشتر از درون جوامع نشأت می‌گیرد تا از بیرون.

نکته‌ای که نباید از آن چشم پوشید وجود گروه‌ها و یا احزاب سوسیالیست، دموکرات و گاه حتی لائیک در این کشورها هستند که به راحتی نمی‌توان نقش مؤثر و قدرتمند آن‌ها را نادیده گرفت. در این زمینه قانون اساسی مشخص در رابطه با احزاب می‌تواند تعیین‌کننده‌ی نقش احزاب و ورود آن‌ها در عرصه سیاست باشد.

شاید مهم‌ترین نکته‌ای که نباید در دولت‌سازی از آن غافل بود، این است که گروه‌های اقلیت نادیده گرفته نشوند به صرف این که جمعیت، قدرت و... آن‌ها کم باشد.

آنچه نباید در انقلاب‌های عربی نادیده گرفت چندین موضوع است:

۱. مردم در اعتقادات و عقاید خود برای پیشبرد اهداف خود محکم‌تر و استوارتر هستند.

۲. نقش مشورت بین نخبگان فکری و ابزاری و مردم نادیده مهم است.

۳. نکته‌ای که بسیار حائز اهمیت است تقسیم اختیارات در امر دولت‌سازی بین گروه‌های

مختلف است.

نهادهای سیاسی

در بررسی نهادهای سیاسی دو گونه نهاد به ذهن متبادر می‌شود: نهادهای سیاسی دولتی و نهادهای سیاسی غیر دولتی.

منظور از نهادهای سیاسی دولتی نهادهایی است که دولت و یا حکومت آن‌ها را ایجاد می‌کند و منظور از نهادهای سیاسی غیر دولتی مراد نهادهایی است که دولت در ایجاد آن‌ها فعالیتی ندارد و بیشتر این نهادها به صورت خودجوش در میان مردم به وجود می‌آیند.

مسئله مهمی که در بحث دولت‌سازی در حوزه عملی مطرح می‌باشد و خیلی جدی است مسئله ملت‌سازی است با توجه به این که در مسئله ملت‌سازی هویت مطرح می‌شود. با توجه به این که امروزه هویت‌ها دیگر مانند گذشته صرفاً در بحث‌های کلان مانند زبان، رنگ و... نیست و هویت‌های امروزه بیشتر در همه عرصه‌های زندگی اعم از سیاسی، فرهنگی، زبانی، اقتصادی، فکری، گروهی... جای می‌گیرد، مسئله مهمی که می‌تواند مؤثر باشد بحث هویت جمعی است.

تقریباً بیشتر کشورهای آفریقا از نظر روند دولت ملت‌سازی در وضعیت مطلوبی قرار ندارند و برخی از نمونه‌ها همچون سودان، سومالی، ارتیره و... بسیار تهدیدزا جلوه نموده‌اند. کمیسیون جنوب در گزارش خود که در ژانویه ۱۹۸۵ منتشر کرد وضعیت دولت ملت‌سازی در آفریقا تحت حکومت نظامی اداره می‌شوند. ۹۰ کودتا از سال ۱۹۶۰ تا آن زمان به وقوع پیوسته، واردات اسلحه از فاصله ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۰ بالغ بر ۵۵/۵ میلیارد دلار می‌شود (۲۶/۵ میلیارد بقیه در جهان سوم) و بیش از ۳/۵ میلیون نفر در شورش‌ها، جنگ‌های داخلی و نزاع‌ها کشته شده‌اند (زرگر، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷).

در دولت-ملت‌سازی چند نکته حائز اهمیت است:

۱. در دولت ملت‌سازی نظم بین‌المللی مهم است.

۲. در دولت ملت‌سازی بین دولت و ملت رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد.

۳. در دولت ملت‌سازی باید بین دولت و گروه‌های داخلی تفاوت قائل شد.

۴. وقایع جهانی در دولت ملت‌سازی مهم است.

آنچه در حال حاضر مهم جلوه می‌کند و می‌تواند کارسازتر باشد دسترسی و پیدا کردن هویت جمعی است که اکثریت مردمی که تحولاتی آفرینند به دنبال آن هستند و هویت مشترکی را به عنوان پادگفتمان قرار دهند. نکاتی که به نظر می‌رسد کارسازتر باشد نقش عدالت‌محوری، ضد استکباری، نقاط مشترک اکثریت ملت‌ها برای دسترسی به آن مانند اسلام، ظلم‌ستیزی، توجه به داخل کشورها به جای تمرکز و توجه به بیرون از محیط کشورها است.

نتیجه‌ای که می‌توان از نکات بالا در نظر داشت، اینکه فصل مشترک هویت‌ها می‌تواند، استکبار ستیزی، ظلم ستیزی و عدالت محوری در داخل و استقلال در عرصه خارجی باشد. که در یک نگاه کلی می‌توان این موارد را در دین اسلام یافت و تاکید قوی بر روی اسلام و تمدن اسلامی قرار گیرد. که هم اقلیت‌ها را می‌شناسد و هم برنامه محور است.

۴. توازن جدید قدرت منطقه‌ای

یکی دیگر از شاخص‌های فرصت، توازن جدید قدرت منطقه‌ای است که ایران باید از این فرصت استفاده بهینه نماید و از این شاخص پیگیر اهداف سیاست خارجی هم در منطقه خاورمیانه و هم عرصه جهانی باشد.

نظم قبلی در خاورمیانه در حال فروپاشی می‌باشد و نظم جدیدی جایگزین آن می‌شود یعنی به عبارتی بازیگران جدیدی ظاهر می‌شوند و قدرت روز افزون‌تری پیدا می‌کنند. که در

این قسمت ما ابتدا به فروپاشی نظم سنتی منطقه‌ای می‌پردازیم و سپس به شکل‌گیری نظم جدید می‌پردازیم.

الف. فروپاشی نظم سنتی منطقه‌ای

۱. جنگ سرد و پیروزی آمریکا در جنگ سرد و پیروزی آمریکا با فروپاشی شوروی

ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در طی جنگ جهانی دوم با یکدیگر هم پیمان بودند، اما بعد از جنگ راهشان از هم جدا شد. در سال ۱۹۴۹ ایالات متحده پیمان ناتو را برای جلوگیری از گسترش کمونیسم شوروی تشکیل داد. دو ابرقدرت علاوه بر جنگ‌های واقعی در کره، ویتنام و افغانستان، با یکدیگر جنگ سرد تبلیغاتی، جاسوسی و تهدیدات نظامی نیز داشتند. وجود عامل بازدارنده سلاح‌های هسته‌ای از درگیری نظامی مستقیم، پیشگیری می‌کرد (سایت daneshnameh.roshd.ir، جنگ سرد، ص ۱).

۲. ظهور انقلاب اسلامی و ناتوانی آمریکا و قدرت‌های بین‌المللی در مهار نمودن انقلاب

انقلاب ایران از همان آغاز نهضت با واکنش‌های گوناگون بین‌المللی مواجه گردید. گری سیک مشاور وقت کاخ سفید در امور ایران در کتاب "زمانی که هرچیز فرو می‌پاشد" می‌نویسد: (از هنگام سقوط شهر سایگون هیچ واقعه‌ای به اندازه انقلاب ایران، آمریکا را تحت تاثیر قرار نداده است.) ویلیام کوانت عضو شورای امنیت آمریکا در زمان کارتر می‌گوید: (انقلاب ایران واشنگتن را به وحشت انداخت. از این که موج انقلاب سراسر خلیج فارس را در برگیرد تصمیم گرفتیم یک ساختار امنیتی در داخل و اطراف شبه جزیره عربستان به وجود آوریم تا مطمئن شویم انقلاب ایران به خارج سرایت نخواهد کرد) (وقوفی، ۱۳۹۲، ص ۱).

با انقلاب‌های جدید منطقه‌ای فضای سیاسی منطقه‌ای وارد مرحله نوینی شد و به نظر می‌رسد ساختار جدید در حال شکل‌گیری است. ظهور قدرت‌های جدیدی در منطقه از جمله

ایران، حزب‌الله و همچنین قدرت‌یابی روسیه در عرصه منطقه‌ای و جهانی، می‌تواند به توازن قدرت منطقه‌ای به نفع ایران و ملل منطقه منجر شود.

ب. شکل‌گیری نظم جدید

روابط استراتژیک ایران، روسیه، حزب‌الله و سوریه

روابط ایران و روسیه

روابط روسیه و ایران می‌تواند استراتژیک محسوب شود. این روابط و دستور کار آنها، نه تنها برای این دو کشور بلکه برای سایر دولت‌های جدیدی که از بطن اتحاد شوروی سابق بیرون آمده‌اند و سایر کشورهای موجود خاورمیانه نیز حساس و حیاتی است. ایالات متحده رهبری یک ائتلاف ضد ایرانی را در دست دارد که کشورهای خط مقدم آن ترکیه و عربستان است. روسیه برخلاف ایالات متحده نمی‌تواند ایران را از ملاحظاته‌ش کنار بگذارد، زیرا این دو کشور در مجاورت‌های دولت‌های واقع در آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز قرار دارند هر دو با مسائل دو جانبه‌ای روبروی هستند که باید به آنها پرداخته شود (بلانک، ۱۳۷۳، ص ۱۸۴-۱۸۵).

اهداف روسیه در برقراری ارتباط با ایران به چند علت می‌تواند باشد. اول اینکه با توجه به مسائلی که بعد از فروپاشی شوروی سابق برای روسیه ایجاد شد وجود جمهوری اسلامی ایران در جنوب این کشورها برای امنیت منطقه مهم است. دوم اینکه برای روسیه نیاز نیست هزینه زیاد صرف نماید بلکه با ایجاد ارتباط با کشوری مانند ایران می‌تواند به اهداف خودش برسد و متحدانی در منطقه پیدا نماید و هزینه قدرت‌نمایی خود را کمتر نماید، همچنین متحدانی قوی و بلوک‌بندی جدیدی که نظم جدید را شکل می‌دهد، به وجود می‌آورد و کم و بیش از قدرت

و نفوذ امریکا و متحدانش کم می‌شود. سوم اینکه کشوری مانند عربستان و ترکیه خواهان بلوک‌بندی با غرب به رهبری امریکا می‌باشند.

روابط ایران و حزب الله

کشور لبنان به عنوان کوچک‌ترین سرزمین خاورمیانه پس از بحرین، پرجمعیت‌ترین کشور نسبت به وسعت خاکی خود در خاورمیانه است که در نوامبر ۱۹۴۳ میلادی استقلالش به رسمیت شناخته شده. کشور لبنان در وضعیت مناسبی برای ارتباطات اقتصادی، تجاری و فرهنگی بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا قرار داشته و تلاقی مسیحیت با اسلام و دروازه اتصال جهان عرب به اروپا است. در کشور لبنان ۱۸ طایفه مذهبی وجود داشته و بر مبنای اصل ۹۵ قانون اساسی لبنان، پست‌های حکومتی براساس وابستگی‌های طایفه‌ای و مذهبی تقسیم شده و مطابق آن رئیس‌جمهور از میان مارونی‌ها، نخست‌وزیر از میان سنی‌ها، رئیس‌مجلس از میان شیعیان، نایب‌رئیس اول مجلس از میان ارتدکس‌ها و تعدادی از وزرای کابینه نیز از میان فرقه‌ها و سایر فرقه‌ها باید برگزیده شود (طاهری، ۱۳۸۹، ص ۷۶-۷۷).

روابط ایران و سوریه

سوریه نیز مانند لبنان دارای فرقه‌ها و گروه‌های متفاوت و گوناگونی می‌باشد. یکی از این فرقه‌ها علویه است. علویه که در گذشته نصیریّه نیز خوانده می‌شد از جمله فرقه‌های انشعاب یافته از مذهب شیعی با گرایش‌های غالبانه است که پیروان آن امروز در منطقه خاورمیانه به طور پراکنده ساکن هستند. سوریه از کشورهایی است که دارای جمعیت قابل توجهی از علویان است (کاظمی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۳). یکی از هم‌گرایی‌های بین ایران و سوریه که تاثیر مهمی نیز در خاورمیانه دارد وجود رژیم صهیونیستی در منطقه است و همچنین روابط سیاسی، امنیتی، اقتصاد و مذهبی می‌باشد که خود گواه این موضوع است که در مبحث امنیتی و ایدئولوژیکی حائز اهمیت می‌باشد. همکاری سوریه در دفاع از ایران توسط سوریه می‌تواند به سه مورد مهم

در منطقه و در مقابل با سایر کشورهای عرب منطقه باشد. موضوع هسته‌ای ایران، جزایر سه‌گانه ایرانی و مبارزات حزب الله و مردم فلسطین سه موردی است که سوریه به دفاع از ایران پرداخته است.

مبارزات حزب الله و مردم فلسطین

سوریه نیز از مواضع جمهوری اسلامی ایران در مورد مردم حزب الله در لبنان و جنبش‌های جهادی در فلسطین اشغالی علیه رژیم غاصب حمایت کرده و این مبارزات را به عنوان دفع تجاوز و دفاع، نه حرکات تروریستی تایید کرده است. بنابراین مجموعاً عوامل یاد شده تاثیر به‌سزایی بر امنیت سیاسی ایران داشته است (نطاق پور و بشارتی، ۱۳۹۰، ص ۹۷).

نتیجه‌گیری

دست‌آورد این مقاله این است که کشورهایی که تحولات در آنجا صورت گرفته است فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای ایران ایجاد کرده است. جمهوری اسلامی ایران با توجه به فرصت‌های به دست آمده باید پی‌گیر اهداف منطقه‌ای و تعامل گسترده و سازنده در سیاست خارجی باشد و می‌تواند از راه‌هایی متفاوتی وارد عمل شود از جمله؛ اینکه در بحث دولت‌سازی که فرصت محسوب می‌شود از مسیرهای قانونی مانند تعامل با احزاب هم‌سو با ایران و از راه‌های غیر رسمی‌تر، مانند گروه‌های فشار استفاده کند تا بتواند مسیر آینده روابط بین ایران و کشورهای دیگر را هموار سازد. با توجه به اینکه این انقلاب‌ها به گونه‌ای ضد استکباری بوده‌اند و انقلاب اسلامی یکی از سرآمدان در عرصه استکبار ستیزی است لذا می‌تواند از این فرصت استفاده کند و در رسانه‌های بین‌المللی این موضوع را تبلیغ نماید. از سویی دیگر اینکه

این کشورها می‌توانند از تجربه جمهوری اسلامی ایران استفاده نمایند و ایران باید این راه‌ها را هموار کند. البته این امر بستگی به عواملی چند از جمله چگونگی وارد عمل شدن ایران در این کشورها و نحوه واکنش ایران به این انقلاب‌ها دارد. از سویی ایران باید تغییراتی که در منطقه ایجاد شده است را بخوبی درک کند و برای وضعیت مطلوب بکوشد. یکی از این راه‌ها از طریق رسمی و یکی دیگر از طریق غیر رسمی است. روابط رسمی مانند روابط دوسویه و چند سویه از طریق سازمان‌هایی از جمله سازمان کنفرانس اسلامی است و راه‌های غیر رسمی حمایت از گروه‌های دارای نفوذ همسو با سیاست ایران در منطقه و عرصه بین‌الملل می‌باشد. روابط دو سویه در موارد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی و... باید انجام گیرد و در روابط چند سویه بیشتر باید تمرکز بر روی اهداف کلی و مصالح عمومی کشورهای منطقه انجام گیرد و بیشتر حالتی تعاملی داشته باشد به گونه‌ای که منفعتهای کلی در نظر باشد. به فرض مثال خطر صهیونیسم در منطقه.

در پایان باید در نظر داشت که کشوری مانند روسیه از قدرت آن در شورای امنیت استفاده کرد و در خیلی از مسائل دیگر از این کشور چشم امید نداشت. البته شاید بتوان بلوک جدیدی در منطقه ایجاد نمود که بیشتر ضد اسرائیلی باشد و روسیه را نیز به این سیاست تشویق کرد.

فهرست منابع

کتاب‌ها

۱. آشوری، داریوش (۱۳۸۶)، دانشنامه سیاسی، فرهنگ و اصطلاحات، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات مروارید.
۲. امیر شاهی، ذوالفقار (۱۳۷۳)، تونس، چاپ دوم، تهران: وزارت امور خارجه مؤسسه چاپ و انتشارات.
۳. حسینی عارف، سید علیرضا (۱۳۹۰)، بهار عربی در پرتو بیداری اسلامی، چاپ اول، قم: انتشارات سنا بل.
۴. دفتر برنامه‌ریزی خدمات آموزشی وزارت امور خارجه (۱۳۷۳)، احزاب سیاسی مصر، چاپ اول، تهران: وزارت امور خارجه مؤسسه چاپ و انتشارات.
۵. عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۲)، بنیان‌های علم سیاست، چاپ دهم، تهران: نشر نی.
۶. مرکز الاستشارات و البحوث (۱۳۸۸)، رویارویی نظام حکومتی و احزاب سیاسی در تونس، ترجمه گروه مطالعات اندیشه‌سازان نو، ابوالفضل تقی‌پور و صغری روستایی، ویراستار طاهره زارع، چاپ اول، بی‌جا.

نشریات

۷. اخوان کاظمی، مسعود و سارا ویسی (بی‌تا)، «علویان سوریه از شکل‌گیری تا قدرت‌یابی»، فصلنامه علمی پژوهشی شیعه‌شناسی، سال دهم، ش ۳۸.
۸. بلانک، استیفن (۱۳۷۳)، «روسیه و ایران در خاورمیانه جدید»، مترجم پیروز ایزدی، مجله راهبرد، ش ۳.
۹. زرگر، افشین، «مدل‌های دولت ملت سازی از مدل اروپایی تا مدل اوراسیایی» فصلنامه تحقیق تخصصی علوم سیاسی، سال چهارم، ش ۷.
۱۰. عارف، علیرضا، «تشیع در تونس»، مجله گنجینه مجمع جهانی اهل بیت، ش ۱۸ و ۱۹.
۱۱. مالکی محمد (۱۳۹۰)، «سازمان الجهاد: در پیش گرفتن تروریسم و خشونت‌سلفیون آنارشیست»، مهرنامه، ش ۱۰، شماره مقاله ۱۷۲۸.
۱۲. طاهری، مهدی (۱۳۸۹)، «تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان لبنان با تأکید بر جنبش حزب الله»، علوم سیاسی مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۲۳.
۱۳. نطق پور مهدی و محمد رضا بشارتی (۱۳۹۰)، «علل همگرایی بین ایران و سوریه و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، ش ۶۳.

سایت‌ها

۱۴. محمد، خادمی، جستجوی دموکراسی‌خواهی در مصر از ناصر تا مبارک وعده و چالش‌ها، ۶ آذر ۱۳۹۱، <http://www.irdiplomacy.ir>
۱۵. چهارشنبه ۲ آذر ۱۳۹۰، ثبات سیاسی در تونس به «النهضة» بستگی دارد، امیر زیاد زاده.
۱۶. <http://www.presstv.ir> سه شنبه ۵ اردیبهشت ۱۳۹۱، ایران و تونس در صدد گسترش روابط.
۱۷. www.icro.ir سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی/رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی/۱۹ بهمن سال ۱۳۹۲، علمای جهان اسلام مانع از رشد افراطی گری مذهبی شوند.
۱۸. سخنرانی «لاریجانی» از آمریکا عذر خواهی نکردیم، ۲۲ بهمن ۱۳۹۲، [farsnews.com](http://www.farsnews.com)
۱۹. تاریخچه روابط ایران و مصر <http://www.asriran.com> سایت تحلیلی عصر ایران ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۶
۲۰. سایت شخصیت نگار، زندگینامه راشد الغنوشی، [shakhsiatnegar.com](http://www.shakhsiatnegar.com)
۲۱. دانشنامه الکترونیکی رشد/جنگ سرد <http://www.daneshnameh.roshd.ir>
۲۲. نگاهی به دخالت دولتهای غربی در امور داخلی ایران و سایر کشورها، امید وقوفی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، <http://www.irdc.ir> ۱ بهمن ۱۳۹۲
۲۳. <http://fa.bidarieslami.com> چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۲
۲۴. <http://www.jamejamonline.ir> چهارشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۹۰
۲۵. <http://www.afiran.ir/modules/publisher/item.php?itemid=614>
۲۶. <http://fa.wikipedia.org> روابط ایران و لیبی.

